

## مدل علی سبک‌های هویت و رفتارهای پرخطر: نقش میانجی راهبردهای شناختی تنظیم هیجان

فاطمه علی دوستی<sup>۱</sup>

الناز اعلم<sup>۲</sup>

وحیده معافیان<sup>۳</sup>

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک‌های هویت و رفتارهای پرخطر با میانجی‌گری تنظیم شناختی هیجان در بین دانشجویان بود. مطالعه از نوع بنیادین و به روش همبستگی صورت گرفته است. در این پژوهش، جامعه آماری، دانشجویان دانشگاه غیرانتفاعی خیام بودند و حجم نمونه شامل ۲۰۰ نفر از دانشجویان (۶۷ درصد زن) و (۳۳ درصد مرد) بوده است که به شیوه‌ی در دسترس انتخاب شدند. پرسشنامه‌های مورد استفاده شامل: پرسشنامه سبک‌های هویت (برزونسکی، ۱۹۹۸)، پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان (گارنفسکی، کرایج و اسپینهاون، ۲۰۰۱) و پرسشنامه رفتارهای پرخطر ایرانی (زاده محمدی، احمدآبادی و حیدری، ۱۳۹۰). در این پژوهش به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مسیر استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان داد که مدل اولیه پژوهش، برازش خوبی نداشت و پس از اصلاح، مبنی بر حذف مسیر سبک هویت هنجاری به رفتارهای پرخطر که مسیر ضعیفی بود، مدل با برازش بسیار خوب مورد تأیید قرار گرفت ( $\chi^2/df = 1/56$ ،  $RSMEA = 0/10$ ،  $GFI = 0/99$ ،  $AGFI = 0/93$ ،  $CFI = 0/99$ ). در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که در رابطه سبک‌های هویت و رفتارهای پرخطر، راهبردهای شناختی تنظیم هیجان نقش میانجی‌گرانه معناداری را ایفا می‌کنند.

**واژه‌گان کلیدی:** سبک هویت، تنظیم شناختی هیجان، رفتار پرخطر.

۱- استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خیام، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

f.alidoosti@khayyam.ac.ir

۲- کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه خیام، مشهد، ایران

۳- کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه خیام، مشهد، ایران

## مقدمه

امروزه شیوع رفتارهای پرخطر<sup>۱</sup> به‌خصوص در نوجوانان و جوانان به یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین دل‌نگرانی‌های جوامع بشری تبدیل شده و علیرغم کوشش‌های بسیاری که در دهه‌های اخیر در جهت افزایش آگاهی عمومی نسبت به آسیب و خطرات ناشی از این رفتارها صورت گرفته است، اما جوامع همچنان با افزایش روزافزون این رفتارها روبه‌رو هستند (میری، بهرامی احسان و بهرامی زاده، ۱۳۹۱). رفتارهای پرخطر به رفتارهایی گفته می‌شود که ایمنی و سلامت خود فرد و دیگران را به خطر انداخته، و معمولاً به علت تحریکات هیجانات و احساسات زیاد بروز می‌کند (دبوئر، پترس و کونینگ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). ازجمله‌ی این رفتارها می‌توان به مصرف الکل، مصرف دخانیات، اعتیاد به مواد مخدر، روابط جنسی ناایمن، رانندگی پرخطر، درگیری و خشونت اشاره نمود (جسور<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴). مطابق تحقیقات انجام شده، ویژگی‌های زیستی و رشد، موقعیت اجتماعی- اقتصادی، ویژگی‌های خانوادگی ازجمله فقر، خانواده‌های ازهم گسسته و درآمد پایین، تفاوت‌های قومیتی، تأثیر همسالان و رسانه ازجمله عواملی هستند که بر بروز رفتارهای پرخطر جوانان تأثیر بسزایی دارند (قیصری، صاحب‌دل و ابراهیم پور، ۱۴۰۰). علاوه‌براین، عوامل شخصیتی (ارزش‌ها، انتظارات و عقاید)، رفتاری (ناهنجاری‌ها و بزهکاری‌ها)، قراردادهای اجتماعی و هنجارها و عوامل محیطی نیز در گرایش افراد به رفتارهای پرخطر تأثیرگذار هستند (فیشر، اک، کنس<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۸).

یکی از عوامل شخصیتی تأثیرگذار بر رفتارهای پرخطر، سبک‌های هویت<sup>۵</sup> هستند. بنابر نظریه تحول روانی-اجتماعی اریکسون، هویت ساختاری درونی و پویا، متشکل از اهداف، ارزش‌ها و باورهای شخصی است (مارسیا<sup>۶</sup>، ۱۹۸۰) و براساس فرآیندهای شناختی- اجتماعی شکل می‌گیرد (اریکسون<sup>۷</sup>، ۱۹۶۸). این مفهوم، از جمله متغیرهای مهمی به شمار می‌آید که

1 risk behaviors

2 De Boer, A., Peeters, M., & Koning, I

3 Jessor, R

4 Fisher, H. H., Eke, A. N., & Cance, J. D

5 identity style

6 Marcia, J. E

7 Erikson E

می‌تواند مبنای شخصیت، اهداف، انتظارات و پیشرفت‌های زندگی باشند (پادیللا-واکر، میل و مموت-الیسون<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰). پژوهش‌ها حاکی از آن است که عدم شکل‌گیری هویت پایدار، خطر بروز مشکلات شخصیتی و رفتاری مانند: مشکلات تحصیلی و ارتباطی (برزونسکی و کاک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵)، اختلالات خوردن (ویلر، آدامز و کیتینگ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱)، مشکلات شغلی و وابستگی به الکل (آلدائو، نالن-هاکسما و شوایزر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰) و اختلال سلوک و بزهکاری (ویلر و همکاران، ۲۰۰۱) را در جوانان افزایش می‌دهد.

برزونسکی، سیسویچ، دوریز و سوننس<sup>۵</sup> (۲۰۱۱) براساس عوامل شناختی و در تکوین مراحل هویتی، سه سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم-اجتنابی را ارائه نمودند. سبک-های هویت، راهبردهای شناختی-اجتماعی می‌باشند که افراد معمولاً بکار می‌گیرند تا به حل مسئله بپردازند، تصمیم‌گیری نمایند و اطلاعات مربوط به هویت خود را سازماندهی کنند. افراد دارای جهت‌گیری اطلاعاتی، آگاهانه به دنبال پردازش و ارزیابی اطلاعات مربوط به تعارض‌های هویتی و شکل دادن هویت‌اند، نسبت به دیدگاه‌شان درباره خود و اعتبار آن تردید دارند، علاقه‌مند به یادگیری مطالب جدید هستند و در صورت رویارویی با اطلاعات و بازخوردهای ناهماهنگ، خواستار ارزیابی و اصلاح ساختار هویتی خود می‌باشند (برزونسکی و همکاران، ۲۰۱۱). افراد دارای سبک هویتی سردرگم-اجتنابی، کارهای خود را به عتوق می‌اندازند و در انجام آن‌ها تأخیر دارند، برای روبه‌رو نشدن با مسائل شخصی تا حد ممکن تلاش می‌کنند، در تصمیم‌گیری‌های شخصی و حل تعارض‌ها مردد هستند و براساس شرایط و موقعیتی که در آن قرار دارند، رفتار می‌کنند (بوش و کارد<sup>۶</sup>، ۲۰۱۲؛ بوش، سگرین و کوران<sup>۷</sup>، ۲۰۱۲). افراد دارای جهت‌گیری هنجاری نیز تمایل به اجرای هنجارها به عنوان لازمه‌ی سازگاری اجتماعی و ارزش‌های مورد تأیید دیگران دارند، و خود را در قالب اسنادهای جمعی مانند مذهب، خانواده

1 Padilla-Walker, L. M., Millett, M. A., & Memmott-Elison, M. K

2 Berzonsky, M. D., & Kuk, L

3 Wheeler, H. A., Adames, G. R., & Keating, L

4 Aldao, A., Nolen-Hoeksema, S., & Schweizer, S

5 Berzonsky, M. D., Ciecuch, J., Duriez, B., & Soenens, B

6 Bosch, L. A., & Card, N. A

7 Segrin, C., & Curran, M. A

و ملیت تعریف می‌کنند. همچنین به صورت خودکار و بدون خودارزیابی، ارزش‌ها و باورها را درونی می‌کند (بوش و کارد، ۲۰۱۲؛ زاریسکا، بارتچوک و ریبارسکی<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰). هیجان‌ها از عوامل مهمی هستند که نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری و تداوم هویت و سازمان دادن رفتار فرد دارد. بطوری که در این راستا کاباج، مک دونالد و توت<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) گزارش نمودند افراد با مشکلات هویتی و عاطفی شکایت‌های بیشتری از مشکلات هیجانی نیز داشتند.

یکی دیگر از متغیرهایی که با رفتارهای پرخطر ارتباط دارد، تنظیم هیجان<sup>۳</sup> است. افراد برای مقابله با رویدادهای مختلف زندگی به ابزار و ویژگی‌های روانشناختی مختلفی از جمله هیجان‌ها نیاز دارد تا در تعامل با دیگر ویژگی‌های فردی در برخورد با شرایط استرس‌آمیز آن‌ها را به کار گیرند (اکبری، مشهدی، عظیمی و همکاران، ۱۳۹۷). ریو<sup>۴</sup> (۱۳۹۳) هیجان‌ها را یک نوع انگیزه می‌داند که رفتار را نیرومند و هدایت می‌کنند. و تنظیم هیجان شامل فرایندی است که فرد از طریق آن بر اینکه چه هیجان‌هایی را تجربه می‌کند و چگونه آن را بیان می‌کند، دخیل می‌باشد (سریگی، بوزنی و بازینسکا<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲) علاوه بر این، بدتنظیمی‌های هیجانی یکی از عواملی است که نقش مهمی در آسیب‌شناسی رفتارهای پرخطر ایفا می‌کند (ویس، سالیوان و تول<sup>۶</sup>، ۲۰۱۵). نتایج پژوهش‌های متعدد حاکی از آن است که نظم‌جویی هیجانی مطلوب با عملکرد مناسب در تکالیف شناختی و رفتاری که منجر به بهبود سازگاری و بهزیستی افراد در زندگی روزمره می‌شود، و همچنین در سازگاری با تغییرات زندگی و رویدادهای تنیدگی‌زا ارتباط دارد (همیلتون، کرولی، گالاگر<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۹؛ بهرامی مشعوف، احمدی و رسولی، ۱۳۹۸). همچنین، پژوهشی در ارتباط بین نظم‌جویی هیجان و عوامل شناختی نشان می‌دهد، مواقعی که افراد وقایعی را تجربه می‌کنند که باعث برانگیختن شدید هیجان آن‌ها می‌گردد، از

<sup>1</sup> Zarzycka, B., Bartczuk, R. P., & Rybarski, R

<sup>2</sup> Cabaj, J. L., McDonald, S. W., & Tough, S. C

<sup>3</sup> Emotion regulation

<sup>4</sup> Reeve, J

<sup>5</sup> Szczygie, D., Buczny, Y., & Bazinskar, C

<sup>6</sup> Weiss, N.H., Sullivan, T.P., & Tull, M.T

<sup>7</sup> Hamilton, N. A., Karoly, P., & Gallagher, M

راهبردهای شناختی برای تنظیم و تغییر میزان شدت هیجان استفاده می‌نمایند که در اصطلاح، راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان نامیده می‌شود (لیندن، ۲۰۱۴).

منظور از راهبردهای شناختی تنظیم هیجان، نحوه‌ی پردازش شناختی فرد در هنگام مواجهه با وقایع ناگوار و استرس‌زا زندگی، و راهبردهای آشکار و ضمنی که فرد در جهت ابراز عواطف به کار می‌برد، می‌باشد (گراس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵؛ برانشتاین، اوشنر<sup>۳</sup> و گراس، ۲۰۱۷). و به طور معمول در جهت شناسایی و کنار آمدن با عواطف ناسازگار به کار می‌رود. عناصر اولیه‌ی این مؤلفه هوشیار هستند، که تصور بر این است فعالیت تنظیم هیجان اساساً عمدی و آگاهانه اتفاق می‌افتد، اما در دفعه‌های بعدی بدون آگاهی و هوشیاری رخ می‌دهد (کهنسال نالکیاشری، اسدی مجره و اکبری، ۱۴۰۰). همچنین می‌توان گفت که این راهبردها با مفهوم مقابله نیز ارتباط تنگاتنگی دارد (ال-رابیاه، تمساح، ال-ایادی<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). و نقش مهمی در به-وجود آمدن مشکلات هیجانی و رفتاری بعد از مواجهه با وقایع تئیدی‌زا زندگی، دارد (گرتز<sup>۵</sup> و تول، ۲۰۱۰؛ رایو، اوردری، پالازلوی<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۳). از جمله راهبردهای تنظیم شناختی هیجان می‌توان به راهبرد ملامت خود<sup>۷</sup>، نشخوارگری<sup>۸</sup>، ملامت دیگران<sup>۹</sup>، فاجعه‌سازی<sup>۱۰</sup>، ارزیابی مجدد مثبت<sup>۱۱</sup>، پذیرش<sup>۱۲</sup> و تمرکز مجدد<sup>۱۳</sup> بر برنامه‌ریزی اشاره نمود (گارنفسکی، کرایج و اسپینهاون<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۱).

بنابر آنچه گفته شد سبک‌های هویت و تنظیم هیجان دو عامل مرتبط با رفتارهای پرخطر به شمار می‌روند. با این وجود بنظر می‌رسد بین سبک‌های هویت و تنظیم هیجان نیز ارتباط

<sup>1</sup> Linden, D

<sup>2</sup> Gross, J.J

<sup>3</sup> Braunstein, L. M., Gross, J. J., & Ochsner, K. N

<sup>4</sup> Al-Rabiaah, A., Tamsah, M. H., & Al-Eyadhy, A. A

<sup>5</sup> Gratz, K. L

<sup>6</sup> Raio, C. M, Orederu, T. A., & Palazzolo, L

<sup>7</sup> self-blame

<sup>8</sup> rumination

<sup>9</sup> other-blame

<sup>10</sup> catastrophizing

<sup>11</sup> positive reappraisal

<sup>12</sup> acceptance

<sup>13</sup> refocus on planning

<sup>14</sup> Garnefski, N., Kraaij, V., & Spinhoven, P

وجود دارد. سبک‌های هویت را می‌توان براساس فرآیندهای اجتماعی-شناختی جذب و انطباق متمایز نمود (اولسون، رامیرز و هرگنهان<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰). در فرایند جذب، فرد اطلاعات جدید را در اطلاعات قدیمی وارد می‌کند، در حالی که در انطباق، فرد اطلاعات قدیمی را تغییر می‌دهد تا با اطلاعات جدید هماهنگ باشد. افراد دارای سبک اطلاعاتی، اطلاعات جدید را جذب می‌نمایند و هویت خود را بر اساس اطلاعات جدید، تغییر می‌دهند. بدین ترتیب، ادراک درستی از واقعیت خواهند داشت و سازگاری آنان افزایش می‌یابد. از دیدگاه شناختی، افراد دارای جهت‌گیری اطلاعاتی، با واریسی واقعیت به تأثیر هیجان بر رفتار خود و دیگران پی می‌برند. افراد دارای سبک هنجاری، بدون واریسی گزینه‌های موجود نسبت به هدف متعهد می‌گردند، بنابراین به‌طور عمده از جذب استفاده می‌کنند. این افراد از هیجان‌های خود جهت شکل‌دهی به هویت استفاده نمی‌کنند و درمقابل به تنظیم یا کنترل دفاعی هیجان‌های خود می‌پردازند (سیتون و بیمانت<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). افراد اجتنابی-سردرگم نیز فاقد هویتی منسجم و پایدار می‌باشند و در پاسخ به نیازهای محیطی، بدون در نظر گرفتن پیامدهای رفتار به‌طور عمده از فرآیند انطباق استفاده می‌کنند. این افراد قادر نیستند هیجان‌های خود را به‌طور مؤثر مدیریت نمایند و از تأثیر رفتار خود بر پاسخ‌های عاطفی دیگران آگاه نیستند (سیتون و بیمانت، ۲۰۰۸).

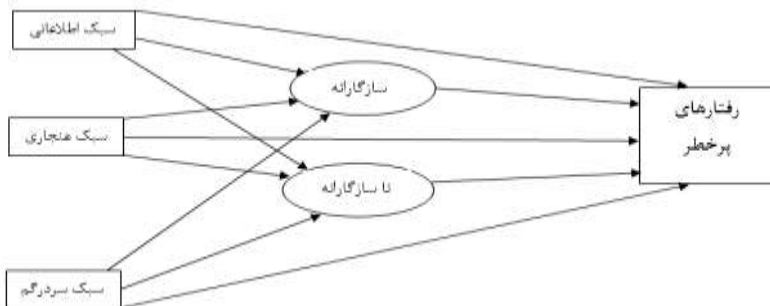
در این راستا، نتایج پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد افراد با جهت‌گیری اطلاعاتی در رویارویی با رویدادهای تنیدگی‌زای روزمره بیشتر از مقابله مسئله‌مدار استفاده می‌کنند، با تنیدگی و اضطراب بهتر مقابله می‌کنند، کمتر دچار اختلالات اضطرابی می‌گردند، پرخاشگری کم‌تری نشان می‌دهند و ارتباط عاطفی بهتری با دیگران برقرار می‌نمایند (موسوی، ۱۳۹۷؛ بوش و همکاران، ۲۰۱۲). همچنین مطالعه بیمانت و سیتون (۲۰۱۱) نشان می‌دهد افراد با هویت اطلاعاتی بیشتر از راهبردهای پذیرش، ارزیابی مجدد مثبت و برنامه‌ریزی بهره می‌گیرند. در مقابل، افراد با جهت‌گیری سردرگم-اجتنابی در رویارویی با تنیدگی، بیشتر از راهبردهای هیجانی ناسازگارانه همچون اجتناب و ملامت خویش استفاده می‌کنند و از خود ابرازگری کمتری برخوردارند. این افراد بیشتر دچار اختلالات اضطرابی می‌شوند، ارتباط عاطفی مناسبی با

<sup>1</sup> Olson, M.H., Ramireze, J.J., & Hergenahn, B. R

<sup>2</sup> Seaton C. L., & Beaumont S. L

دیگران ندارند و واکنش‌های افسرده‌وار نیز در این افراد بیشتر به چشم می‌خورد (بوش و همکاران، ۲۰۱۲). همچنین مطالعات نشان می‌دهد سبک هویتی سردرگم-اجتنابی با راهبردهای ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان همچون انکار، کناره‌گیری عاطفی و روانی و راهبردهای ناسازگارانه تصمیم‌گیری همچون به تعویق انداختن و سوء‌مصرف مواد رابطه دارد (بیمانت و ستین، ۲۰۱۱؛ تانگ، تانگ و پوسنر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶؛ مانیاسی، پیکونه، وان-هولست<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۷).

براساس آنچه گفته شد، سبک‌های هویت با رفتارهای پرخطر رابطه دارند و نیز به دلیل وجود رابطه‌ی بین سبک‌های هویت و تنظیم هیجان، به نظر می‌رسد علاوه بر رابطه مستقیم، سبک‌های هویت به واسطه راهبردهای تنظیم هیجان نیز اثری غیرمستقیم بر رفتارهای پرخطر دارند. بر همین اساس در این پژوهش مدلی برای ارتباط سبک‌های هویت و رفتارهای پرخطر با تأکید بر نقش میانجی راهبردهای شناختی تنظیم هیجان تدوین گردید که در شکل ۱ ارائه شده است و هدف اصلی این پژوهش بررسی برازش این مدل بود.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

### روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع مطالعات بنیادین و به روش همبستگی صورت گرفته است. روش-های پژوهش همبستگی به سه دسته‌ی همبستگی، رگرسیون و تحلیل مسیر تقسیم می‌شوند. مدل تحلیل مسیر امکان بررسی شبکه‌ای از روابط علی را ممکن می‌کند و می‌توان نقش

<sup>1</sup> Tang, Y. Y., Tang, R., & Posner, M. I

<sup>2</sup> Maniaci, G., Picone, F., & van Holst, R. J

میانجی‌گرها و متغیرهای مستقل مختلفی را بر متغیر معلول بررسی کند. در تحلیل مسیر فرض می‌شود که نمرات متغیرهای مشاهده شده دقیق است و خطایی ندارد. جامعه آماری، شامل دانشجویان دانشگاه غیرانتفاعی خیام مشهد با تعداد حدودی ۷۰۰۰ نفر بود، از این جامعه به شیوه نمونه‌گیری در دسترس، نمونه‌ای ۲۰۰ نفری انتخاب شد.

### ابزار پژوهش

**الف) پرسشنامه سبک‌های هویت (ISI-6G):** این ابزار توسط برزونسکی (۱۹۹۸) ساخته شد و پس از آن توسط وایت و همکارانش (۱۹۹۲) مورد تجدید نظر قرار گرفت. شامل ۴۰ گویه است که ۱۱ گویه آن مربوط به سبک اطلاعاتی، ۱۰ گویه مربوط به سبک مغشوش اجتنابی، ۹ گویه مربوط به سبک هنجاری و ۱۰ گویه به تعهد هویت تعلق دارد، که چهار سؤال آن (۹، ۱۱، ۱۴، ۲۰) به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. سؤالات روی یک مقیاس پنج درجه‌ای از "کاملاً موافق" تا "کاملاً مخالف" نمره‌گذاری شده است. برزونسکی (۱۹۹۷) در آخرین نسخه تجدیدنظر شده پرسشنامه که بر روی یک نمونه ۶۱۸ نفری اجرا شد برای سبک هویت اطلاعاتی، سبک هویت هنجاری و سبک هویت سردرگم/اجتنابی و همچنین تعهد، به ترتیب مقادیر آلفای کرونباخ ۰/۷۰، ۰/۶۴، ۰/۷۶، ۰/۷۱ گزارش نمود. در ایران نیز سلطانی، فولادوند و فتحی آشتیانی (۱۳۸۹) مقادیر آلفای کرونباخ را برای سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی - سردرگم ۰/۸۶، ۰/۷۶ و ۰/۸۰ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۳ گزارش کرده‌اند.

**ب) پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان (فرم کوتاه) CERQ-P:** پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان توسط گارنفسکی، کرایچ و اسپینهاون (۲۰۰۱) تدوین گشته و یک پرسشنامه چندبعدی است که جهت شناسایی راهبردهای شناختی افراد پس از تجربه کردن وقایع منفی، مورد استفاده قرار می‌گیرد. حسنی (۱۳۸۹) نسخه فارسی فرم کوتاه این پرسشنامه را تنظیم کرده است. فرم کوتاه پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان یک ابزار خودگزارشی ۱۸ ماده‌ای است که دامنه نمرات

<sup>1</sup> The identity-style inventory

<sup>2</sup> Cognitive Emotion Regulation Questionnaire

هر ماده از ۱ (تقریباً هرگز) تا ۵ (تقریباً همیشه) می‌باشد. این پرسشنامه دارای ۹ ماده است که عبارتند از: ملامت خویش (سؤالات ۱-۲)، پذیرش (سؤالات ۳-۴)، نشخوارگری (سؤالات ۵-۶)، تمرکز مجدد مثبت (سؤالات ۷-۸)، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی (سؤالات ۹-۱۰)، ارزیابی مجدد مثبت (سؤالات ۱۰-۱۲)، دیدگاه‌گیری (سؤالات ۱۳-۱۴)، فاجعه‌سازی (سؤالات ۱۵-۱۶) و ملامت دیگران (سؤالات ۱۷-۱۸) هر یک از این خرده مقیاس‌ها دارای دو ماده هستند. نتایج این پژوهش نشان داد ماده‌های این مقیاس از همسانی درونی (دامنه آلفا کرونباخ ۰,۷۶ تا ۰,۹۶) خوبی برخوردار هستند، و ضرایب همبستگی بازآزمایی ۰,۵۱ تا ۰,۷۷، بیانگر قابلیت اعتماد مقیاس بود. همچنین الگوی ضرایب همبستگی بین خرده مقیاس‌های این پرسشنامه بیانگر درستی ملاکی همزمان مناسب مقیاس می‌باشد (حسینی، شاهمرادی‌فر، محمودی و گوهری، ۱۳۹۴). در بررسی مشخصات روان‌سنجی آزمون، گارنفسکی و کرایچ پایایی آزمون را با استفاده از ضریب آلفا کرونباخ به ترتیب ۰,۹۱، ۰,۸۷، ۰,۹۳ به دست آوردند. در فرهنگ ایرانی، نتایج آلفا کرونباخ (با دامنه ۰,۶۸ تا ۰,۸۲) نشان داد که ۹ خرده مقیاس فرم کوتاه این پرسشنامه دارای اعتبار مطلوبی می‌باشند (حسینی، ۱۳۸۹).

**ج) پرسشنامه رفتارهای پرخطر ایرانی:** این پرسشنامه توسط زاده محمدی، احمدآبادی و حیدری (۱۳۹۰) ساخته شده است، و دارای ۳۸ سؤال می‌باشد. هر ماده بر اساس مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) درجه‌بندی می‌شود. این مقیاس دارای ۷ مؤلفه (گرایش به مواد مخدر، گرایش به الکل، گرایش به سیگار، گرایش به خشونت، گرایش به رابطه و رفتار جنسی، گرایش به رابطه با جنس مخالف و گرایش به رانندگی خطرناک) است. ویژگی روان‌سنجی در نسخه نرم شده توسط زاده محمدی و همکاران (۱۳۹۰) در رابطه با تشخیص تفاوت بین گروه‌ها امیدوار کننده است. روایی صوری پرسشنامه توسط رجبی ۰,۷۷ گزارش شده است. ضریب آلفای کرونباخ ۰,۶۷ گزارش شده است. میزان آلفای کرونباخ در کل مقیاس و خرده مقیاس‌ها به ترتیب ۰,۹۴، ۰,۹۳ و ۰,۷۴ می‌باشد. میزان اعتبار کلی و خرده مقیاس‌ها در سطح مطلوبی گزارش شده است. میزان ضریب آلفا کرونباخ مقیاس خطرپذیری برای مقیاس کلی ۰,۹۳، رابطه و رفتار جنسی ۰,۸۶ و گرایش به جنس مخالف ۰,۸۱ گزارش شده است (زاده محمدی و همکاران، ۱۳۹۰).

## یافته‌ها

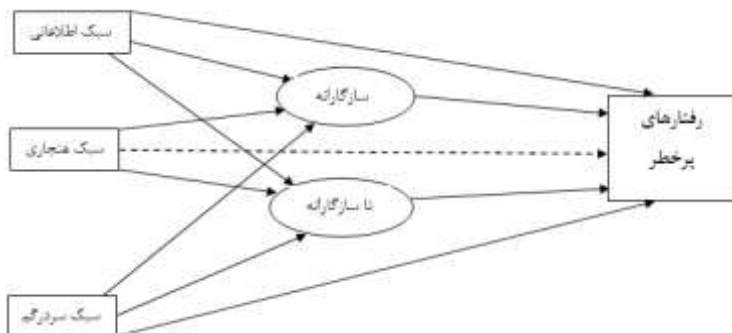
تعداد ۶۶ نفر از شرکت‌کنندگان پژوهش مرد بودند که میانگین و انحراف معیار سن آنان به ترتیب ۳۶/۳۲ و ۹/۰۷ بود. تعداد ۱۳۴ نفر از شرکت‌کنندگان پژوهش زن بودند که میانگین و انحراف معیار سن آنان به ترتیب ۳۴/۸۶ و ۹/۹۷ بود. به‌طور کلی شرکت‌کنندگان این پژوهش دارای میانگین سنی ۳۵/۱۳ با انحراف معیار ۹/۵۱ بودند. در جدول ۱ آماره‌های توصیفی زیرمقیاس‌های متغیرهای پژوهش ارائه شده است:

جدول ۱. آماره‌های توصیفی زیرمقیاس‌های متغیرهای پژوهش

متغیر	زیرمقیاس	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
سبک‌های هویت	هویت اطلاعاتی	۲۹/۷۲	۷/۹۲	۰/۲۳	-۰/۳۱
	هویت هنجاری	۲۳/۹۳	۴/۲۷	۰/۰۷	-۰/۷۳
	هویت سردرگم / اجتنابی	۲۰/۶۳	۶/۴۶	-۰/۰۹	-۰/۱۲
راهبردهای شناختی تنظیم هیجان	راهبردهای سازگارانه	۲۹/۹۵	۱۰/۷۱	-۰/۰۰۶	-۰/۳۹
	راهبردهای ناسازگارانه	۲۴/۷۸	۸/۴۱	-۰/۰۹	-۰/۳۴
رفتارهای پرخطر	رانندگی پرخطر	۱۵/۲۷	۵/۱۴	-۰/۱۹	-۰/۵۸
	خشونت	۱۲/۳۵	۴/۱۴	-۰/۱۷	-۰/۷۳
	سیگار کشیدن	۱۲/۶۲	۴/۰۲	-۰/۲۳	-۰/۷۰
	مصرف مواد مخدر	۲۰/۰۹	۶/۷۹	۰/۰۱	-۰/۵۳
	مصرف الکل	۱۵/۳۳	۵/۳۳	-۰/۱۲	-۰/۶۸
	دوستی با جنس مخالف	۱۰/۲۹	۳/۴۷	-۰/۰۱	-۰/۷۲
	رابطه جنسی	۱۰/۲۲	۳/۶۴	-۰/۲۸	-۰/۸۱
	نمره کل رفتارهای پرخطر	۹۶/۱۸	۲۹/۸۲	۰/۲۰	-۰/۱۳

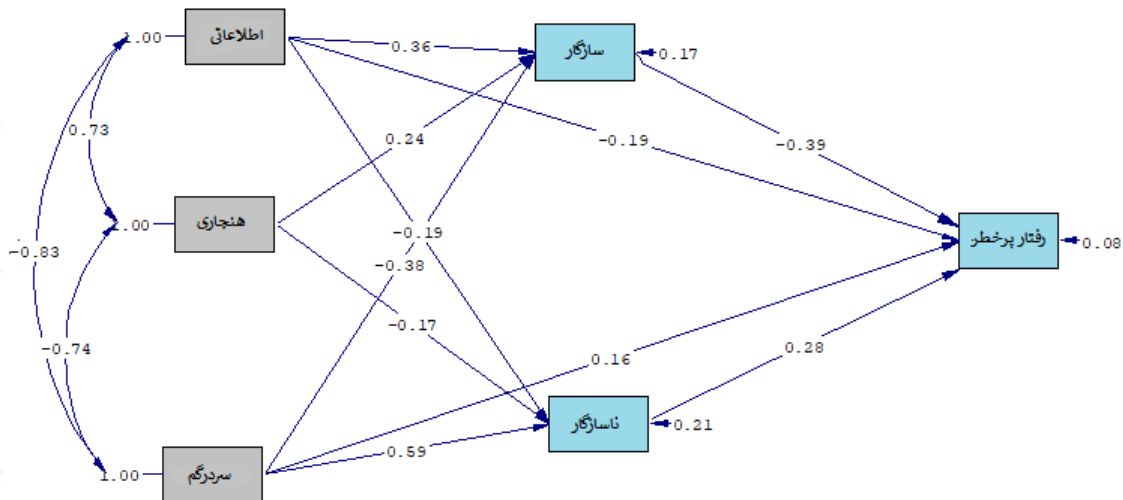
ضرایب همبستگی پیرسون بین سبک‌های هویت با رفتارهای پرخطر بین ۰/۶۱ تا ۰/۸۹ قرار داشت. این ضرایب بین راهبردهای شناختی تنظیم هیجان با رفتارهای پرخطر بین ۰/۷۷ تا ۰/۹۲ قرار داشت و بین سبک‌های هویت و راهبردهای شناختی تنظیم هیجان بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۷ قرار داشت.

در ادامه، برای پاسخ به سؤال پژوهش و بررسی نقش میانجی راهبردهای شناختی تنظیم هیجان در رابطه بین سبک‌های هویت و رفتارهای پرخطر، الگویی طراحی شد و برای بررسی برازش این الگو از روش تحلیل مسیر استفاده شد. در این الگو سبک‌های هویت (اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم/اجتنابی) به‌عنوان متغیرهای برون‌زا، راهبردهای شناختی تنظیم هیجان (سازگارانه و ناسازگارانه) به‌عنوان متغیرهای میانجی و رفتارهای پرخطر به‌عنوان متغیر درون‌زا می‌باشند. ابتدا، پیش از بررسی برازش مدل، مفروضه نرمال بودن داده‌ها با استفاده از شاخص‌های کجی و کشیدگی مورد بررسی قرار گرفت. کجی داده‌ها بین ۰/۰۰۶ و ۰/۲۸ و کشیدگی بین ۰/۱۲ و ۰/۸۱ بود که از نرمال بودن آن‌ها حکایت دارد. سپس، مفروضه نبود هم‌خطی بین متغیرهای برون‌زا و میانجی با شاخص‌های  $VIF$  و  $Tolerance$  بررسی شد که مقادیر آن‌ها در محدوده‌ی نرمال قرار داشت. مفروضه استقلال خطاها با آماره دوربین واتسون بررسی شد و مقادیر آن کمتر از ۴ به دست آمد، که حاکی از برقراری این مفروضه می‌باشد. پس از برقراری مفروضه‌ها، برازش مدل ساختاری با استفاده از نرم‌افزار لیزرل انجام شد که شاخص‌های نیکویی برازش آن بدین ترتیب به دست آمد:  $RSMEA = ۰/۳$ ،  $\chi^2/df = ۳۱/۳۹$ ،  $GFI=۰/۹۷$ ،  $AGFI=۰/۳۱$ ،  $CFI=۰/۹۹$ . به‌منظور برازش الگو ضروری است که شاخص‌های فوق استانداردهای لازم را داشته باشند. چنانچه شاخص  $\chi^2/df$  کوچک‌تر از ۳ باشد، مقدار  $RSMEA$  از ۰/۱ کوچک‌تر و به صفر نزدیک‌تر باشد، و همچنین شاخص‌های برازش  $GFI$ ،  $AGFI$  و  $CFI$  به یک نزدیک‌تر باشند، بیانگر آن است که الگوی پیشنهادی تأیید شده است (شرمله-انگل، موسبراکر و مولر، ۲۰۰۳). بر این اساس، شاخص‌های کلی آزمون الگوی پیشنهادی اولیه حکایت از عدم برازش این الگو داشت و علاوه بر آن بر اساس شکل ۲ یکی از مسیرها در الگوی اولیه غیرمعنادار بود.



شکل ۲. الگوی برازش نیافته

بنابراین، برای برازش بهتر الگو، اصلاحاتی براساس مبانی نظری و تجربی صورت گرفت و مسیر غیرمعنادار شکل ۲ حذف شد تا درنهایت الگوی مندرج در شکل ۳ با برازش بسیار خوب مورد تأیید قرار گرفت. شاخص‌های کلی الگوی تصحیح‌شده استانداردهای موردنظر را دارند و مقادیر آن‌ها حاکی از برازش بسیار خوب این الگو است ( $\chi^2/df = 1/56$ ,  $RSMEA = 0/00$ ,  $GFI = 0/99$ ,  $AGFI = 0/93$ ,  $CFI = 0/99$ ).



شکل ۳. مدل نهایی پژوهش در حالت ضرایب مسیر استاندارد شده

در شکل ۳، مقادیر ضریب مسیر برای هریک از مسیرهای علی از متغیرهای برون‌زا به متغیرهای میانجی و درون‌زا، و از متغیرهای میانجی به متغیر درون‌زا نیز وجود دارد که قدرت

نسبی هر مسیر را نشان می‌دهد. با توجه به شکل ۳، ضریب مسیر سبک هویت اطلاعاتی به رفتارهای پرخطر  $0/19$ ، ضریب مسیر منفی و ضعیفی است؛ اما براساس آزمون آماری  $t$  معنادار است ( $t = -0/76$ ,  $p < 0/05$ ). ضریب مسیر سبک هویت اطلاعاتی به راهبردهای سازگاران تنظیم شناختی هیجان  $0/36$  است که ضریب مسیر مثبت و متوسطی است و براساس آزمون آماری  $t$  معنادار است ( $t = 8/06$ ,  $p < 0/05$ ). ضریب مسیر سبک هویت اطلاعاتی به راهبردهای ناسازگاران تنظیم شناختی هیجان  $0/19$ ، است که ضریب مسیر منفی و ضعیفی است ولی براساس آزمون آماری  $t$  معنادار است ( $t = -3/97$ ,  $p < 0/05$ ). ضریب مسیر سبک هویت هنجاری به راهبردهای سازگاران تنظیم شناختی هیجان  $0/24$  است که ضریب مسیر مثبت و ضعیفی است اما آزمون آماری  $t$  آن معنادار است ( $t = 6/84$ ,  $p < 0/05$ ). ضریب مسیر سبک هویت هنجاری به راهبردهای ناسازگاران تنظیم شناختی هیجان  $0/17$ ، است که ضریب مسیر منفی و ضعیفی است اما براساس آزمون آماری  $t$  معنادار است ( $t = -4/10$ ,  $p < 0/05$ ). ضریب مسیر سبک هویت سردرگم به رفتارهای پرخطر  $0/16$ ، ضریب مسیر مثبت و ضعیفی است؛ اما براساس آزمون آماری  $t$  معنادار است ( $t = 4/09$ ,  $p < 0/05$ ). ضریب مسیر سبک هویت سردرگم به راهبردهای سازگاران تنظیم شناختی هیجان  $0/38$ ، است که ضریب مسیر منفی و متوسطی است، و براساس آزمون آماری  $t$  معنادار است ( $t = -8/36$ ,  $p < 0/05$ ). ضریب مسیر سبک هویت سردرگم به راهبردهای ناسازگاران تنظیم شناختی هیجان  $0/59$  است که ضریب مسیر مثبت و قوی است و براساس آزمون آماری  $t$  معنادار است ( $p < 0/05$ ).  $t = 11/80$ . ضریب مسیر راهبردهای سازگاران تنظیم شناختی هیجان به رفتارهای پرخطر  $0/39$ ، ضریب مسیر منفی و متوسطی است؛ اما براساس آزمون آماری  $t$  معنادار است ( $t = -9/73$ ,  $p < 0/05$ ). راهبردهای سازگاران تنظیم شناختی هیجان به رفتارهای پرخطر دارای ضریب مسیر  $0/28$  است که ضریب مسیر مثبت و ضعیفی است، ولی براساس آزمون آماری  $t$  معنادار است ( $t = 7/54$ ,  $p < 0/05$ ).

در نتیجه، هر سه متغیر برون‌زا یعنی سبک‌های هویت، بر متغیر درون‌زا یعنی رفتارهای پرخطر، اثر غیرمستقیم دارند که از طریق هردو متغیر میانجی یعنی راهبردهای سازگاران و ناسازگاران تنظیم شناختی هیجان صورت گرفته است. این درحالی است که فقط دو سبک

هویت اطلاعاتی و سردرگم/اجتنابی اثر مستقیم بر رفتارهای پرخطر دارند. نکته قابل تأمل اینکه از بین متغیرهای برون‌زا، سبک هویت سردرگم/اجتنابی بر رفتارهای پرخطر، بیشترین اثر را داشته است. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت در رابطه سبک‌های هویت و رفتارهای پرخطر، راهبردهای شناختی تنظیم هیجان نقش میانجی‌گرانه معناداری را ایفا کرده‌اند.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی راهبردهای شناختی تنظیم هیجان در رابطه سبک‌های هویت و رفتارهای پرخطر می‌باشد. نخستین یافته حاصل از این پژوهش براساس نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد بین سبک‌های هویت و رفتارهای پرخطر رابطه معناداری در سطح  $0/01$  وجود دارد که این ضرایب بین سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری با همه رفتارهای پرخطر منفی و بین سبک هویت سردرگم /اجتنابی با همه رفتارهای پرخطر مثبت بود. نتایج با پژوهش اکبری، خوش‌چین گل، نادری فر و موسوی زاده (۱۳۹۷)؛ فرمانی و صادقی (۱۳۹۷) و مک الوین، کرپمن و پیت‌من<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) هم راستاست. نتایج نشان می‌دهد افرادی که از سبک هویت سردرگم استفاده می‌کنند تا جایی که ممکن است از روبه‌رو شدن با مسائل و تعارضات مربوط به هویت دوری می‌کنند و رفتارهایشان براساس عوامل موقعیتی و لذت طلبی تعیین می‌شود. از منظر نظری، رفتارهای پرخطر عبارتند از رفتارهایی که اثرات نامطلوبی بر رشد همه‌جانبه و سلامتی افراد دارد که این می‌تواند مانع موفقیت و رشد شود. این رفتارها می‌توانند منجر به صدمات فیزیکی شده و رفتارهایی که اثرات منفی فزاینده دارند را شامل گردد. رفتارهای پرخطر طیفی از رفتارهایی را در برمی‌گیرد که نه تنها برای فرد درگیر در این رفتار و افراد مهم زندگی وی زیان‌هایی جدی به بار می‌آورد، بلکه باعث صدمات غیرعمدی به سایر اعضای جامعه نیز می‌گردد (محمدزاده، رحیمی و خراسانی‌نیا، ۱۳۹۴). هویت، تدوینی از خویش‌تن است که نحوه رفتار و اندیشه فرد را تبیین می‌کند، و مسئله‌ای ضروری است که هر فرد در طول دوران زندگی بحران ویژه‌ی مرتبط با سن خود را تجربه می‌کند. همچنین درگیری در رفتارهای پرخطر در طی دوره‌ی نوجوانی به اوج خود می‌رسد.

<sup>1</sup> McElwain, A. D., Kerpelman, J. L., & Pittman, J. F

در نتیجه همسو با رابطه‌ی مشاهده شده در نظریه‌ها نیز، رفتارهای پرخطر به‌طور معناداری با سبک‌های هویت رابطه دارد.

براساس یافته‌های ثانویه، نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد بین راهبردهای شناختی تنظیم هیجان و رفتارهای پرخطر رابطه معناداری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد که این ضرایب بین راهبردهای سازگاران تنظیم هیجان با همه رفتارهای پرخطر منفی و بین راهبردهای ناسازگاران تنظیم هیجان با همه رفتارهای پرخطر مثبت بود. نتایج با پژوهش سیفی، جمشاد، نجفعلی زاده و همکاران (۱۴۰۰)، پارکر<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) و باهرت، کنریک و لیم<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) هم راستاست. این پژوهش نشان داد تنظیم هیجان ضعیف با رفتارهای پرخطر مثل خشونت، رفتارهای جنسی پرخطر و مصرف الکل ارتباط دارد. افرادی که قادر به مدیریت هیجانی خود در حوادث روزمره زندگی نیستند، برای سرکوب حس ناخوشایند حاصل از آن هیجان راهبردهای سازش‌نیافته را انتخاب می‌کنند. نتایج پژوهش صمیمی، میردورقی، حسنی و ذاکری (۱۳۹۵) نشان داد راهبردهای سازگاران (پذیرش، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مثبت و توسعه دیدگاه) با برخی رفتارهای پرخطر (رانندگی خطرناک، خشونت، سیگار کشیدن، مصرف مواد، مصرف الکل، دوستی با جنس مخالف) رابطه منفی دارد، همچنین دو راهبرد ناسازگاران (سرزنش دیگران و دیدگاه فاجعه‌آمیز) با رفتارهای پرخطر یادشده رابطه مثبتی را نشان دادند. راهبردهای تنظیم شناختی هیجان، فرایندهای هوشیار و ناهوشیار تعدیل کیفیت، شدت و مدت بیان هیجانات، تجارب و موقعیت‌های هیجانی است (اشنل و هرپتز<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸) که افراد برای مقابله با رویدادهای منفی از آن استفاده می‌کنند (اکسترمرا، سانچز-آلوارز و ری<sup>۴</sup>، ۲۰۲۰). افراد با تحمل پریشانی پایین، هیجان را غیرقابل تحمل می‌دانند، توانایی خود را برای مقابله با هیجانات دست کم می‌گیرند و تلاش فراوانی برای تسکین فوری و جلوگیری از بروز هیجانات منفی دارند. درواقع استفاده از رفتارهای پرخطری مثل رفتارهای ضداجتماعی، قماربازی بیمارگون، خودجراحی‌های عمدی، مصرف سیگار و

<sup>1</sup> Parker

<sup>2</sup> Bohnert, A. M., Crnic, K. A., & Lim, K. G

<sup>3</sup> Schnell K, & Herpertz S

<sup>4</sup> Extremera N, Sánchez-Álvarez N, & Rey L

الکل، به‌عنوان یک راهکار مقابله‌ای غلط در این افراد برای رهایی فوری از هیجان‌های منفی به‌کار گرفته می‌شود (هانت، بورنو والووا<sup>۱</sup>، گرتز و همکاران، ۲۰۱۲). بنابراین توانایی مدیریت هیجان‌ها باعث می‌شود فرد در موقعیت‌هایی که خطر بروز رفتارهای آسیب‌زا بالاست، از راهبردهای مقابله‌ای مناسب استفاده کند. در نتیجه همسو با رابطه‌ی مشاهده شده در نظریه‌ها نیز، نظم‌جویی شناختی هیجان به‌طور معناداری با رفتارهای پرخطر رابطه دارد.

سومین یافته‌ی پژوهش حاکی از این است که بین سبک‌های هویت و راهبردهای شناختی تنظیم هیجان رابطه معناداری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد. به‌طوری که رابطه بین سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری با راهبردهای سازگارانه تنظیم شناختی هیجان مثبت و با راهبردهای ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان، منفی است. بعلاوه، نتایج نشان داد رابطه بین سبک هویت سردرگم / اجتنابی با راهبردهای سازگارانه تنظیم شناختی هیجان منفی و با راهبردهای ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان مثبت و معنادار است. نتایج این پژوهش همسو با نتایج پژوهش محمدی و فولادچنگ (۱۳۹۷) و پورمحسنی کلوری (۱۳۹۳) می‌باشد. بنابر نظریه تحول روانی- اجتماعی اریکسون، هویت ساختاری درونی و پویا و متشکل از اهداف، ارزش‌ها و باورهای شخصی می‌باشد (مارسیا، ۱۹۸۰) که بر اساس فرآیندهای شناختی- اجتماعی شکل می‌گیرد (اریکسون، ۱۹۶۸). برزونسکی (۲۰۱۱) بر این باور است که «سبک- های هویت»، بازتابی از جهت‌گیری‌های پردازش اطلاعات هستند و به راهبردهای شناختی، اجتماعی که افراد هنگام ساختن هویت خود و متعهد شدن نسبت به ارزش‌ها و باورها از آن‌ها استفاده می‌کنند، اشاره دارد. این سبک‌ها، راه‌های پردازش اطلاعات و مقابله با مشکلات است (برمن، شوارتز، کارتینز و برمن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱) در این بین تنظیم شناختی هیجان فرآیندی است که در جریان شکل‌گیری هویت منسجم نقشی بسزا دارد و از طریق آن افراد جهت‌دستیابی به پیامدهای مطلوب، هیجان‌های خود را مدیریت می‌کنند.

یافته اصلی پژوهش بیانگر این امر است که هر سه متغیر برون‌زا یعنی سبک‌های هویت، برمتغیر درون‌زا یعنی رفتارهای پرخطر، اثر غیرمستقیم داشتند. این اثر غیرمستقیم از طریق هر دو

<sup>1</sup> Hunt ED, & Bornovalova MA

<sup>2</sup> Berman, A. M., Schwartz, S. J., Kurtines, W. M., & Berman, S. L

متغیر میانجی یعنی راهبردهای سازگارانه و ناسازگارانه تنظیم هیجان صورت گرفت. این درحالی بود که فقط دو سبک هویت اطلاعاتی و سردرگم/اجتنابی اثر مستقیم بر رفتارهای پرخطر داشتند. نکته قابل تأمل اینکه از بین متغیرهای برون‌زا، سبک هویت سردرگم/اجتنابی بر رفتارهای پرخطر، بیشترین اثر را داشت. هیجان‌ات نقش مهمی در زندگی انسان‌ها دارند، و اگر نظم‌بخشی هیجان‌ات به صورت کنترل‌شده و آگاهانه باشد می‌تواند در کنترل میزان آسیب‌های رفتاری اثربخش باشد. پژوهشگران تنظیم هیجان را به‌عنوان یکی از متغیرهای مهم روان‌شناختی برای عملکرد اجتماعی و بهزیستی روان‌شناختی ضروری می‌دانند (آلداو و همکاران، ۲۰۱۰). به باور پژوهشگران، افراد دارای اختلالات هیجانی گوناگون در برخورد با شرایط ناگوار از راهبردهای متفاوتی استفاده می‌کنند. دراین راستا پژوهش ورتینگتن، ویتولیت، پیترینی و میلر<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) نشان می‌دهد افراد مبتلا به افسردگی اغلب از استراتژی‌های ناکارآمدی همچون نشخوارفکری و فاجعه‌سازی استفاده می‌کنند. طبق دیدگاه پژوهشگران، افرادی که از راهبردهای ناسازگارانه در جهت تنظیم هیجان استفاده می‌کنند بیشتر از سایر افراد مستعد استفاده از رفتارهای پرخطر به عنوان وسیله‌ای برای رهایی از هیجان‌ات منفی هستند. دستیابی موفقیت‌آمیز به هویت به عنوان اولین تکلیف بزرگ‌سالی منجر به رشد و تجربه‌ی احساس صمیمیت در افراد می‌شود. هویت تحت تأثیر عوامل بین فردی همچون ظرفیت‌های ذاتی خود فرد و اکتساب ویژگی‌های شخصیتی است. طبق مبانی نظری فرد در تجربه‌ی جدا ماندن از دیگران و قرارگیری در موقعیت‌هایی که منجر به نقض هویت وی می‌گردد، از راهبردهای ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان استفاده می‌کند، که به‌مراتب احتمال بروز رفتارهای پرخطر هم افزایش می‌یابد. به‌عبارتی این افراد هیجان‌های خود را نمی‌پذیرند و نسبت به پذیرش هیجان‌ات خود احساس شرم دارند و هیجانی را که تجربه می‌کنند به رفتار تبدیل می‌کنند. درنتیجه بروز رفتارهای پرخطر در این افراد راهی برای رهایی از هیجان‌ات منفی‌ای است که تجربه می‌کنند. ایده‌ی زیر بنایی مدلی که در سؤال این پژوهش مطرح شد این است که سبک‌های هویت با تکیه بر راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان منجر به کاهش بروز و انتخاب رفتارهای پرخطر می‌شود، درنهایت به‌کارگیری این راهبردهای سازگارانه در افرادی با سبک-

---

<sup>1</sup> Worthington, E. L., Witvliet, C. V. O., Pietrini, P., & Miller, A. J

های هویت اطلاعاتی و سردرگم/اجتنابی احتمال روی آوردن فرد به رفتارهای پرخطر را کاهش می‌دهد.

نتایج پژوهش محمدخانی و همکاران (۱۳۹۸) نشان داد راهبردهای تنظیم هیجان، بین باورهای فراشناختی و سبک‌های دلبستگی و رفتارهای پرخطر میانجی‌گری می‌کند، ولی ارتباط معناداری بین راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجان با رفتارهای پرخطر یافت نشد. همچنین باورهای فراشناختی با راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجان، رابطه مستقیم و معناداری نداشتند. باین حال ارتباط معنادار و مستقیمی بین باورهای فراشناختی با راهبردهای سازگارانه پیدا شد. نتایج پژوهش موراوتز، موهر، هیکن و باد<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) نشان داد تنظیم هیجان در زمینه هیجان‌اتی که اتفاقی رخ می‌دهند به‌طور مؤثر منجر به کاهش یافتن تجربه هیجان‌ات منفی می‌شود. پژوهش پورمحسنی کلوری (۱۳۹۳) نشان داد هویت اطلاعاتی بر راهبرد تمرکز مجدد برنامه‌ریزی شده به گونه مثبت و هویت سردرگم-اجتنابی بر ملامت خویش و نشخوارگری به‌صورت مستقیم اثر منفی دارد، بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده، مدل نظری مبنی بر نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان در رابطه بین سبک‌های هویت و رفتارهای پرخطر، تأیید می‌شود.

پیشنهاد می‌شود پژوهش مشابهی برای جامعه غیردانشجو انجام شود به این دلیل که یکی از متغیرهای پژوهش رفتارهای پرخطر بوده و جامعه دانشجویان جامعه‌ی خاصی است، و به دلیل نظارت‌هایی که در دانشگاه وجود دارد و محدودیت‌هایی که برای دانشجو قائل است باعث - شود برای تعمیم‌دهی محتاطانه عمل کنیم. اگر پژوهش بر جامعه‌ی عادی و گروه‌های بالینی اجرا شود ممکن است یافته‌های متفاوت‌تری به دست آید.

<sup>1</sup> Morawetz., Mohr., Heekeren., & Bode

## منابع

- ۱) اکبری، ابراهیم؛ علی؛ عظیمی، زینب؛ عباس نژاد، راحله؛ امیری پیچاکلایی، احمد. (۱۳۹۷). «نظم جویی شناختی هیجان، تنیدگی، افسردگی، اضطراب، و تنیدگی ناشی از رویدادهای زندگی در مبتلایان به بیماری‌های پرپرودنتال و شاهدهای همسان شده». **دندانپزشکی**، ۳۰ (۴)؛ صص: ۲۴۲-۲۳۰.
- ۲) اکبری، بهمن؛ خوشه‌چین گل، نورا؛ نادری فر، نسرین، موسی زاده، نصیبه. (۱۳۹۷). «مقایسه تنظیم شناختی هیجانی و سبک‌های هویتی در نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار». **سلامت اجتماعی**، ۶ (۲)؛ صص: ۲۳۵-۲۲۷.
- ۳) بهرامی مشعوف، راضیه؛ احمدی، صدیقه؛ رسولی، محسن. (۱۳۹۹). «نقش واسطه‌ای ابرازگری هیجانی در رابطه بین راهبردهای شناختی تنظیم هیجان و رضایت زناشویی در معلمان زن». **فصلنامه مطالعات زن و خانواده**، ۱۰ (۳)؛ صص: ۵۲-۳۲.
- ۴) پورمحسنی کلوری، فرشته (۱۳۹۳). «سبک‌های هویت، راهبردهای شناختی تنظیم هیجان و سلامت روانی دانشجویان: مدل معادلات ساختاری». **مطالعات راهبردی ورزش و جوانان**، ۱۳ (۲۵).
- ۵) حسنی، جعفر. (۱۳۸۹). «خصوصیات روان‌سنجی پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان». **روانشناسی بالینی**، ۳ (۷)؛ صص: ۸۳-۷۳.
- ۶) حسنی، جعفر؛ محمودی، نگار؛ گوهری، رسمیرا؛ شاهمرادی، فر، طیبه. (۱۳۹۴). «رابطه راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان و هم‌جوشی فکر با مشکلات بین‌فردی». **روان‌شناسی بالینی**، ۷ (۳)؛ صص: ۶۰-۴۹.
- ۷) ریو، جان مارشال. (۱۳۹۳). **انگیزش و هیجان**. ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: نشر ویرایش.
- ۸) زاده محمدی، علی؛ احمدآبادی، زهره؛ حیدری، محمود. (۱۳۹۰). «تدوین و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی». **روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران**، ۱۷ (۳)؛ صص: ۲۲۵-۲۱۸.
- ۹) سلطانی، مه‌ری؛ فولادوند، خدیجه؛ فتحی آشتیانی، علی. (۱۳۸۹). «بررسی رابطه میان هویت و جستجوی سردرگمی با اعتیاد به اینترنت». **علوم رفتاری**، ۴ (۳)؛ صص: ۱۹۷-۱۹۱.
- ۱۰) السون، میتو. اج؛ رامیرز، جولیبو. جی؛ هرگنهان، بی. آر. (۲۰۲۰). **مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری**. ترجمه علی اکبر سیف (۱۴۰۱). تهران: نشر دوران

- ۱۱) سیفی، سیدعلیرضا؛ جمشاد، پرپسا؛ نجفعلی‌زاده، اعظم؛ اسدی، فاطمه؛ محمدی، سارا. (۱۴۰۰). «پیشینی‌گرایی به رفتارهای پرخطر براساس ناگویی هیجانی و عدم تحمل بلا تکلیفی در نوجوانان دارای سابقه رفتارهای خودجرحی». **پژوهش‌های کاربردی در مشاوره**، ۴ (۱۴)؛ صص: ۱۴۲-۱۳۱.
- ۱۲) صمیمی، زبیر؛ میردورقی، فاطمه؛ حسنی، جعفر؛ ذاکری، محمدمهدی. (۱۳۹۵). «نقش راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان و تحمل‌پریشانی در رفتارهای پرخطر دانشجویان». **تحقیقات علوم رفتاری**، ۱۴ (۱)؛ صص: ۹۲-۱۰۲.
- ۱۳) فرمانی، سمیرا؛ صادقی، عباس. (۱۳۹۷). «نقش واسطه‌ای سبک‌های هویت در رابطه بین فرزندپروری و رفتارهای پرخطر کودکان کار». **کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی**.
- ۱۴) قیصری، زهرا؛ صاحب‌دل، حسین؛ ابراهیم‌پور، مجید. (۱۴۰۰). «بررسی اثربخشی روان‌درمانی انگیزشی بر رفتارهای پرخطر (رفتار جنسی، خشونت) دانش‌آموزان». **مجله علمی پژوهان**، ۱۹ (۳)؛ صص: ۲۷-۳۳.
- ۱۵) کهنسال‌نالکیاشری، سعیده؛ اسدی مجره، سامره؛ اکبری، بهمن. (۱۴۰۰). «ارایه مدل ساختاری رابطه بین تعارضات والدینی با رفتارهای پرخطر از طریق میانجی‌گری تاب‌آوری و تنظیم هیجان در نوجوانان». **دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد**، ۶۵ (۱)؛ صص: ۳۱۵-۳۰۱.
- ۱۶) محمدزاده ابراهیمی، علی؛ رحیمی پردنجانی، طیبه؛ خراسانی‌نیا، امیرپویا. (۱۳۹۴). «نقش سیستم‌های مغزی-رفتاری در پیش‌بینی رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر بجنورد». **دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی**، ۷ (۱)؛ صص: ۱۷۵-۱۸۸.
- ۱۷) محمدی، حمیده؛ فولاد‌چنگ، محبوبه. (۱۳۹۷). «نقش واسطه‌ای سبک‌های پردازش هویت در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان». **مجله روانشناسی**، ۲۲ (۳)؛ صص: ۳۰۸-۳۲۵.
- ۱۸) موسوی، نرگس. (۱۳۹۷). «نقش راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجانی در پیش‌بینی پرخاشگری کودکان». **پژوهش‌های کاربردی در مشاوره**، ۱ (۲)؛ صص: ۸۸-۶۹.

۱۹) میری، میرنادر؛ بهرامی احسان، هادی؛ بهرامی‌زاده، حمید. (۱۳۹۱). «رابطه‌ی سبک‌های تربیتی ادراک شده پدر و رفتارهای پرخطر». **علوم روانشناختی**، ۱۱ (۴۱).

- 20) Aldao A, Nolen-Hoeksema S, Schweizer S. (2010). Emotion-regulation strategies across psychopathology: A meta-analytic review. *Clinical psychology review*; 30(2): 217-237.
- 21) Al-Rabiaah A, Tamsah M. H, Al-Eyadhy A. A, Hasan G. M, Al-Zamil F, Al-Subaie S, Somily, A. M. (2020). Middle East Respiratory Syndrome-Corona Virus (MERS-CoV) associated stress among medical students at a university teaching hospital in Saudi Arabia. *Journal of infection and public health*; 13(5): 687-691.
- 22) Berman A. M, Schwartz S. J, Kurtines W. M, Berman S. L. (2001). The process of exploration in identity formation: The role of style and competence. *Journal of adolescence*; 24(4): 513-528.
- 23) Berzonsky M. D, Kuk, L. (2005). "Identity style, psychosocial maturity, and academic performance". *Personality and Individual Differences*; 39: 235-247.
- 24) Berzonsky M. D, Ciecuch J, Duriez B, Soenens B. (2011). The how and what of identity formation: Association between identity styles and value orientation. *Personality and Individual Differences*; 50: 295-299.
- 25) Bohnert A. M, Crnic K. A, Lim K. G. (2003). Emotional competence and aggressive behavior in school-age children. *Journal of abnormal child psychology*; 31(1): 79-91.
- 26) Bosch L. A, Card N. A. (2012). A meta-analytic review of Berzonsky's Identity Style Inventory (ISI). *Journal of Adolescence*; 35(2): 333-343.
- 27) Bosch L. A, Segrin C, Curran M. A. (2012). Identity style during the transition to adulthood: the role of family communication patterns, perceived support, and affect. *Identity. An International Journal of Theory and Research*; 12: 275-295.
- 28) Braunstein, L M, Gross J. J, Ochsner K. N. (2017). Explicit and implicit emotion regulation: a multi-level framework. *Social Cognitive and Affective Neuroscience*; 12(10): 1545-1557.
- 29) Cabaj J. L, McDonald S. W, Tough S. C. (2014). Early childhood risk and resilience factors for behavioural and emotional problems in middle childhood. *BMC pediatrics*; 14(1): 1-11.
- 30) De Boer A, Peeters M, Koning I. (2017). An experimental study of risk-taking behavior among adolescents: a closer look at peer and sex influences. *The Journal of Early Adolescence*; 37(8): 1125-1141.
- 31) Erikson E. (1968). *Identity: Youth and crisis*. New York: Norton

- 32) Extremera N, Sánchez-Álvarez N, Rey L. (2020). Pathways between ability emotional intelligence and subjective well-being: bridging links through cognitive emotion regulation strategies. *Sustainability*; 12: 2-11.
- 33) Fisher H. H, Eke A. N, Cance J. D, Hawkins S. R, Lam W. K. (2008). Correlates of HIV-related risk behaviors in African American adolescents from substance-using families: Patterns of adolescent-level factors associated with sexual experience and substance use. *Journal of Adolescent Health*; 42(2): 161-169.
- 34) Garnefski N, Kraaij V, Spinhoven P. (2001). Negative life events, cognitive emotion regulation and emotional problems. *Personality and Individual Differences*; 30: 1311–1327.
- 35) Gratz K. L. Tull M. T. (2010). The Relationship Between Emotion Dysregulation and Deliberate SelfHarm Among Inpatients with Substance Use Disorders. *Cognitive therapy and research*; 34: 544–553.
- 36) Gross JJ. (2015). The extended process model of emotion regulation: elaborations, applications, and future directions. *Psychological Inquiry*; 26(1): 130-37.
- 37) Hamilton N. A, Karoly P, Gallagher M, Stevens N, Karlson C., McCurdy D. (2009). The assessment of emotion regulation in cognitive context: The emotion amplification and reduction scales. *Cognitive Therapy and Research*; 33(3): 255-263.
- 38) Hunt ED, Bornovalova MA, Gratz KL, Daughters SB, CW, Lejuez CW. (2012). Initial RCT of a distress tol-erance treatment for individuals with substance use disorders. *Drug Alcohol Depen*; 122: 70-76.
- 39) Jessor, R. (2014). *Problem behavior theory: A half-century of research on adolescent behavior and development*. New York: Psychology Press; pp: 239–256.
- 40) Linden D. (2014). EPA-1819-Regulation of emotion networks in depression. *European Psychiatry*; 29(S1): 1-1.
- 41) Maniaci G, Picone F, van Holst R. J, Bolloni C, Scardina S, Cannizzaro C. (2017). Alterations in the emotional regulation process in gambling addiction: The role of anger and alexithymia. *Journal of gambling studies*; 33 (2): 633 - 647.
- 42) Marcia J. E. (1980). Identity in adolescence. *Handbook of adolescent psychology*; 9(11): 159-187.
- 43) McElwain A. D, Kerpelman J. L, Pittman J. F. (2015). The role of romantic attachment security and dating identity exploration in understanding adolescents' sexual attitudes and cumulative sexual risk-taking. *Journal of adolescence*; 39: 70-81.

- 44) Padilla-Walker L. M, Millett M. A, Memmott-Elison M. K. (2020). Can helping others strengthen teens? Character strengths as mediators between prosocial behavior and adolescents' internalizing symptoms. *Journal of Adolescence*; 79: 70-80.
- 45) Raio C. M, Orederu T. A, Palazzolo L, Shurick A. A, Phelps E. A. (2013). Cognitive emotion regulation fails the stress test. *Proceedings of the National Academy of Sciences*; 110(37): 15139-15144.
- 46) Schermelleh-Engel K, Moosbrugger H, Müller H. (2003). Evaluating the fit of structural equation models: Tests of significance and descriptive goodness-of-fit measures. *Methods of psychological research online*; 8(2): 23-74.
- 47) Schnell K, Herpertz S. (2018). Emotion Regulation and Social Cognition as functional targets of mechanism-based psychotherapy in major depression with comorbid personality pathology. *Journal of Personality Disorders*; 32: 12-35.
- 48) Seaton C. L, Beaumont S. L. (2008). Individual differences in identity styles predict proactive forms of positive adjustment. *Identity: An International Journal of Theory and Research*; 8: 249-268.
- 49) Seaton C. L, Beaumont S. L. (2011). The link between identity style and intimacy: does emotional intelligence provide the key? *Identity: An International Journal of Theory and Research*; 11: 311-332.
- 50) Szczygie D, Buczny Y, Bazinskar C. (2012). Emotion regulation and emotional information processing the moderating effect of emotional awareness. *personality and Individual Difference*; 52: 433-437.
- 51) Tang Y. Y, Tang R, Posner M. I. (2016). Mindfulness meditation improves emotion regulation and reduces drug abuse. *Drug and alcohol dependence*; 163: S13 -S18.
- 52) Weiss NH, Sullivan TP, Tull MT. (2015). Explicating the role of emotion deregulation in risky behaviors: A review and synthesis of the literature with directions for future research and clinical practice. *Current Opinion in Psychology*; 3: 22-29.
- 53) Wheeler H. A, Adames G. R, Keating L. (2001). Binge eating as a means for evading identity issues: the association between an avoidance identity style and bulimic behavior. *Identity: An International Journal of Theory and Research*; 1: 161-178.
- 54) Worthington E. L, Witvliet C. V. O, Pietrini P, Miller A. J. (2007). Forgiveness, health, and well-being: A review of evidence for emotional versus decisional forgiveness, dispositional forgivingness, and reduced unforgiveness. *Journal of behavioral medicine*; 30(4): 291-302.

- 55) Zarzycka B, Bartczuk R. P, Rybarski R. (2020). Centrality of Religiosity Scale in Polish Research: A Curvilinear Mechanism that Explains the Categories of Centrality of Religiosity. Religions; 11(2): 64.